



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

حقیقت  
تحرری  
راہش  
این  
است



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# تحریر حقیقت راهش اینست

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

چاپخانه سپهر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	تحریر حقیقت راهش اینست
۶	مشخصات کتاب
۶	آغاز سخن
۶	تحریر حقیقت
۱۰	پاورقی
۱۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## تمرّی حقیقت راهش اینست

### مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: تمرّی حقیقت راهش اینست  
 مشخصات نشر: تهران: چاپخانه سپهر، ۱۳۵۲.  
 مشخصات ظاهری: ۳۰ ص.  
 یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۹] - ۳۰؛ همچنین به صورت زیرنویس  
 موضوع: بهائیکری — دفاعیه‌ها و ردیه‌ها  
 موضوع: اسلام — دفاعیه‌ها و ردیه‌ها  
 رده بندی کنگره: BP۳۳۰/ت ۳ ۱۳۵۲  
 رده بندی دیوبندی: ۲۹۷/۵۶۴  
 شماره کتابشناسی ملی: م ۶۰-۴۹۲

### آغاز سخن

در پهن دشت تاریخ، پویش پرخروش «تلاش»ها را می‌بینیم؛ و اینکه انسان - این تاریخ‌ساز آشوبگر - با چهره‌ی کوشای خویش، به افق اندیشه‌های پاک چشم دوخته و بر آفتاب نیمروز کوشش‌ها لبخند می‌زند. او، در برهوت پر نشیب و فراز زندگی، در جستجوی زیباییها و بهره‌بری از لطافت پاکیها، پیش میراند و می‌بینیم که در جستن آنچه که درونش و فطرتش می‌طلبد از پا نمی‌نشیند و از حرکت باز نمی‌ایستد. لبخند مهربار شب‌های بهاری؛ نوای دل‌انگیز مرغان کوهساری؛ لطافت وجد آفرین غنچه‌های تازه دمیده؛ پرتو شادی زای خورشید صبحگاهی؛ با تمام زیباییشان، نتوانسته‌اند به او خشنودی واقعی را تقدیم نمایند؛ تا دیگر بنشیند و در برابر هر یک از این تجلی‌گاه‌های حسن و لطافت زانو بزند و درون پرخروشش را آرامشی لذت‌بار ببخشد. و هم از این روست که هنوز هم انسان را می‌بینیم که [صفحه ۷] پرتلاش‌تر و خستگی‌ناپذیرتر، همچون خروشان نه‌ری بسوی اقیانوس «حقیقت» می‌شنابد، بسوی آنچه او را، درون او را و تمام وجود او را از امید و لذت لبریز و آکنده سازد. بسوی راستی، بسوی حقیقت. در مسیر این تکاپو، «سقراط» جام شو کران می‌نوشد و «گاليله» بسوی محکمه‌ی بیداد کشیده می‌شود و هزارها هزار دانشمند دیگر با پذیرفتن تمام سختیها و مزارتها به پیمودن این راه - راه حق جوئی - ادامه داده و می‌دهند. چه بگفته‌ی سقراط، این اندیشمند روزگار پیشین - «زندگی بدون تفحص در خور زیستن نیست». [۱]. در چنین چشم‌اندازی، شعله‌ی رنج در درونمان زبانه می‌کشد: انسانهایی را می‌بینیم که نه تنها خود بسوی راستی‌ها گام بر نمی‌دارند بلکه جلوگیری راه دیگر تکاپو گران پر خروش می‌شوند و آنها را با سرباهائی فریبنده سرگرم می‌دارند. از این رو، نوشته‌ی حاضر کوششی است که گوشه‌هایی از نیاز درونی انسانها را برای حق جوئی و حق‌پوئی نشان می‌دهد؛ و نیز، نمایانگر زشتی درون کسانی است [صفحه ۸] که جلوگیری راه کوشندگان این وادی، آنهم در این زمانه‌ی آگاهی بخش، شده‌اند! [صفحه ۹]

### تمرّی حقیقت

«تواضع للحق تکن اعقل الناس» [۲]. «در برابر حق فروتنی نشان ده» «تا خردمندترین مردم باشی» امام کاظم (ع) دانایان از اینکه

نابخردانه به راهی روند و بدون اندیشیدن، معتقد به گفتاری شوند بیزارند. مگر می‌شود حق را دور انداخت و به دنبال باطل رفت و در راه آن کوشش و جدیت نمود؟ به مصداق «همه کس طالب یاراست چه هشیار چه مست» هما مایلند که حق جو و واقعیت طلب باشند و به قولی «تحری حقیقت» نمایند. کاوش برای شناخت حقایق یکی از ابعاد روح بشر و جزئی از فطرت اوست و از این رو پیامبران و دانشمندان، انسان را تشویق به پیجوتی راستیها نموده و از کژیها زندهار داده‌اند. [صفحه ۱۰] فلامارویون از قول دکارت می‌گوید: «حقیقت را با بیطرفی مطلق و با روحی آزاد» «از قید هرگونه تعصب جستجو کنید». [۳]. جان دیون پورت دانشمند انگلیسی نیز عقیده دارد: «مغزی که فکر و تحقیق در آن نباشد مانند» جسمی است بی‌روح». [۴]. از این رو متفکر بزرگی همچون دکارت هنگامی که تصمیم می‌گیرد اساس دریافتهای پیشین خود را زیر و رو کند و با پیروی از اصولی خردپسندانه به دنبال حقیقت بشتابد اولین گام خود را در این راه چنین آغاز می‌کند: «نخست اینکه هیچ چیز را حقیقت نپندارم» «جز آنچه درستی آن بر من بدیهی شود» «یعنی از شتابزدگی و پیش داوری بپرهیزم» «و چیزی را به تصدیق نپذیرم مگر آنکه در ذهنم چنان روشن و متمایز گردد که جای هیچگونه شککی باقی نماند». [۵]. [صفحه ۱۱] دکارت انگیزه‌ی این تصمیم را چنین اعلام می‌دارد: «زیرا چون خداوند به هر کس بینائی داده که حق را از باطل تمیز دهد؛ هرگز ممکن نبود به پیروی از عقاید دیگران راضی شوم». [۶]. و راستی هم بگفته‌ی فیلسوف بزرگ شرق ابوعلی سینا: «آنکس که سخنان بی‌برهان بر زبان آرد یا به گفتار بی‌دلیل گوش فرادهد بجاست که از جامعه‌ی انسانی بیرون شود». [۷]. و اینجاست که می‌بینیم اسلام نیز به مقتضای فطرت، بشر را به جستجوی حقیقت و بکار بستن عقل و اکتساب علم دعوت می‌کند و از تقلید کورکورانه از پدران و نیاکان بازداشته و جمود در ایده‌های ارثی و تعصب در عقاید گذشتگان را نفی می‌نماید؛ و این کلام خداست که می‌فرماید: «هنگامی که به ایشان گفته شود به سوی کتاب» «خدا و پیامبر او بیائید گویند: برای ما آنچه که» [صفحه ۱۲] «پدرانمان را بر آن یافتیم کافی است. آیا این سخن درستی است؟ اگر چه پدرانمان چیزی نمی‌دانستند و راه یافته نبودند». [۸]. قرآن کریم، بشر را از سخن پراکنیهای نادرست باز داشته و او را به عنوان یک موجود آگاه و فکور، در دریافتها و گفتارهایش مسئول می‌داند: «لا- تقف ما لیس لک به علم ان السمع و البصر» «و الفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولاً». [۹]. «هر آنچه را که به آن علم و بینش نداری پیروی مکن زیرا که گوش و چشم دل، پیرامون دریافتهای خود بازخواست می‌شوند». چنین بینش درستی نسبت به حقیقت تا آنجا اوج می‌گیرد که امیرمؤمنان، اول شاگرد مکتب اسلام، می‌فرماید: «چیزی را با اعتبار شخصیتها حقیقت بدان بلکه نخست [صفحه ۱۳] حق را بشناس آنگاه پیروانش را خواهی شناخت». [۱۰]. بسیاری از کسانی که رنگ آمیزیهای ظاهر فریب، آنها را به بیراهه می‌کشاند و به اعتبار عناوین پر آب و تاب، داوری و قضاوتشان، مسیر اشتباه می‌پیماید به جلوه‌های ظاهری افراد می‌نگرند، به آنها دل می‌بندند و مانوس می‌شوند و تنها از دریچه‌ی احساسات فردی، کردارها و پندارهایشان را مورد بررسی قرار می‌دهند و دردناکانه در این گیر و دار عاطفی و در این عرصه‌ی یکسو نگری، چهره‌ی زیبای حقیقت شکل دیگری می‌گیرد و راستیها وارونه جلوه‌گر می‌شود. پاکمردان آزاداندیش هیچگاه چنین بیراهه نمی‌روند و انسان را معیار شناسائی حق بحساب نمی‌آورند. ارسطو - معلم اول - آنگاه که رودرروی نظریه‌ای از افلاطون، استاد صاحب نامش قرار می‌گیرد فریاد می‌زند: «افلاطون گرامی است، ولی حقیقت گرامی‌تر [صفحه ۱۴] است». [۱۱]. از حضرت مسیح ضمن یک روایت اسلامی چنین شده: «گفتار حق را از پیروان نادرستی و باطل بپذیرید و کژیها را از اهل درستی و حق قبول نکنید بررسی کنندگان گفتار باشید». [۱۲]. با چنین کارنامه‌ی روشنی از نیک‌اندیشی و حق‌پرستی، اسلام منشور درخشان: «لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی». [۱۳]. [صفحه ۱۵] را اعلام می‌دارد و در دقیقترین مراحل، آزادی را در پهنه‌ی ایده‌ها و اندیشه‌ها نمایش می‌دهد. تاریخ فتوحات اسلامی و رفتار پیشوایان واقعی آن با پیروان سایر ادیان، گویای همین اصل آزادی در قبول عقاید اسلامی است تا جائی که دانشمندان غیر مسلمان نیز که با واقع بینی، رویدادهای تاریخ اسلام را مطالعه نموده‌اند به این آزاد اندیشی گواهی می‌دهند. جرج جرداق ادیب مشهور مسیحی لبنانی می‌گوید: «علی با منطق عقل و با دلیل و برهانی که داشت،

متوجه فکر و اندیشه‌ی مردم می‌شد و با منطق دل و وجدان و با نیرو و دلیلی که در نزد وی بود، با قلب و وجدان آنها تماس می‌گرفت.» [۱۴]. جان دیون پورت در کتاب خود می‌نویسد: «اسلام هیچگاه در اصول عقاید هیچ دینی مداخله نکرده و هیچ وقت کسی را به این جرم مجازات نداده و هیچ موقع نظر نداشته است که عقاید دینی [صفحه ۱۶] را بر دیگران تحمیل کند. بلی دین اسلام را بر دیگران عرضه می‌داشتند ولی هیچ گاه آن را به زور و عنف تحمیل نمی‌کردند.» [۱۵]. سرانجام برترین مفهوم حقیقت جوئی را اسلام چنین می‌آموزد: «فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هدایهم الله و اولئک هم اولو الالباب.» [۱۶]. «پس بشارت بده آن دسته از بندگان مرا که هر سختی را می‌شنوند و نیکوترین آنها را پیروی می‌نمایند آنها کسانی هستند که از خرد و بینش کامل برخوردارند.» آیا چنین ژرف نگری و آزاداندیشی نمی‌تواند راهنمای بشریت در وادی نیکبختی و رستگاری باشد؟ و آیا در چنین نظامی بودن، و با پیروی از چنین اصولی زندگی کردن، [صفحه ۱۷] به انسان تابناکی فکر و آرامش درون نمی‌بخشد؟ شنیدن هر گفتاری و اندیشیدن درباره‌ی درستی و نادرستی آن، کار خردمندان است کار آنها که چشم و گوش بسته هر فرموده‌ای!! را نمی‌پذیرند و نادانسته به هر آستانی!! سر نمی‌سپارند. اسلام چنین کسان را صاحبان بینش و خرد کامل معرفی می‌کند و بشارت و نوید روحبخش الهی را تقدیمشان می‌دارد. آیات قرآن فریاد از تعقل و تفکر می‌زند و همه جا به مردمانی که با بینائی و روشن بینی در امور اندیشه نمی‌کنند هشدار می‌دهد: «آیا نمی‌اندیشید؟» «آیا تعقل نمی‌کنید؟» [۱۷]. با توجه به مدارک مختصری که اشاره شد این حقیقت برای هر آزاداندیشی منصفی روشن می‌گردد که اسلام با عرضه داشتن واقعیت دین بر اساس منطق و استدلال، و دور بودن از هر نوع تحمیل عقیده، بشر را از تقلید کورکورانه در امور باز می‌دارد و نمی‌خواهد که انسانها [صفحه ۱۸] بره صفت به زندگی خود ادامه دهند. از آن جایی که پی جوئی حقیقت نیاز درونی انسان است؛ صاحبان مکاتب بشری نیز همیشه کوشیده‌اند که توجه به این خواست را در سرلوحه‌ی تعالیم خود قرار دهند و در پی‌ریزی اصول مکتبشان به این اصل احترام بگذارند تا جایی که پاره‌ای از مسلکها که تحمیلی بر اجتماع آزاد بشری بشمار می‌روند و در عمل گریزان از حقیقت و نابود کننده‌ی واقعیتهای انسانی هستند، به ظاهر منادی حق طلبی و حق گوئی شده و خواسته‌اند که با یدک کشی چنین شعار دلپذیری تباهی درونی خود را بپوشانند. اینک نشان خواهیم داد که بهائیت نیز مسلکی است که می‌خواهد با نقاب زیبای «تحری حقیقت» - واژه‌ای که فقط به عنوان یک تیر و شعار همه جا هست و در حقیقت... هیچ جا نیست - رخسار خود را مخفی نماید و ناخوش بودن درون را با خوش بودن برون از دیدگاه انسانها دور نگه دارد. بهائیان گروهی هستند که سرسپرده‌ی فردی به نام میرزا حسین علی نوری موسوم به بهاء الله می‌باشند وی در سال ۱۲۳۳ به دنیا آمد و در سال ۱۳۵۹ چشم از جهان بر بست این گروه میرزا حسین علی را همه چیز هستی [صفحه ۱۹] می‌شمارند و میرزا علی محمد شیرازی ملقب به باب را که قبل از او بوده است موعود ادیان و مبشر بهاء الله می‌دانند. فرزند میرزای نوری، عباس افندی را که به عبدالبهاء موسوم است امام نخست و شوقی افندی دختر زاده‌ی عبدالبهاء را ولی امر الله به حساب می‌آورند و خلاصه این چهار نفر، باب، بهاء الله، عبدالبهاء و شوقی با گفتارها و نوشته‌های خود مجموعه‌ای رامی‌سازند که بهائیت نام دارد. پیروان این مجموعه! که به خیال خود ادعای سرسپردگی به دینی کاملتر؟! از دین اسلام را دارند مروج دستوراتی شده‌اند که آنها به نام تعالیم دینی معرفی کرده و بخاطر ضرورتی که اشاره شد شاه گفتار خود را «تحری حقیقت» اعلام می‌دارند: «اول تعلیم حضرت بهاء الله تحری حقیقت است باید انسان تحری حقیقت کند و از تقلید دست بکشد.» [۱۸]. جالب‌تر اینکه حضرات این تعالیم را از ابتکارات ویژه و مزیت‌های بهائیت قلمداد نموده و ترویج آنها را منحصر [صفحه ۲۰] به خود می‌دانند چنانکه همین آقای عبدالبهاء می‌نویسد: «تعالیم حضرت بهاء الله فی الحقیقه مثل ندارد» [۱۹]. گویا حضرتش می‌داند که تشویق مردم به شناخت حق و واقعیت، ابتکار پدر بزرگوارشان نیست ناچار به تناقض گوئی افتاده می‌گویند: «حضرت بهاء الله تجدید تعالیم انبیاء فرمود [۲۰]. و نیز می‌نویسد: «حضرت موسی ترویج حقیقت کرد و همچنین حضرت مسیح و حضرت ابراهیم و حضرت رسول و حضرت باب و حضرت بهاء الله کل تأسیس حقیقت نمودند.» [۲۱]. از این دو گونه



پرداز می گذریم و جان مطلب و اساس تحری حقیقت را از لابلای پاره‌ای از کتب جامعه‌ی بهائیت تماشا می نمایم. آقای میرزا حسین علی از قول میرزا علی محمد شیرازی نخستین پیشوای بابیت و بهائیت [ صفحه ۲۱ ] می نویسد: «هیچ لذتی اعظم تر؟! [۲۲] در امکان خلق نشده که کسی استماع نماید آیات را، و بفهمد مراد آن را، و لم و بم در حق کلمات آن نگویید و مقایسه با غیر او نکنند.» [۲۳]. واقعا که لذتی بزرگتر!! از این نیست که کلام جناب ایشان را بشنویم و بدون ذره‌ای تفکر حتی به فکر مقایسه با کلام دیگران نیفتیم در حالی که حضرت امیر می فرماید: «اضربوا بعض الرأی ببعض یتولد منه الصواب.» «افکار و آراء خود را با یکدیگر برخورد دهید» «که از این برخورد ایده‌ی درست و نظر صحیح زاییده شود.» [۲۴]. باز هم «تحری حقیقت!! نمایم و نوشدارویی دیگر از دست ایشان بگیریم. جناب بهاء الله به علماء و فقهای بابی توصیه می کند [ صفحه ۲۲ ] که در شناخت موعود کتاب بیان (که بعدها خود آن جناب از آب درآمدند) از دانش و بینش و فهم و خردشان استفاده ننمایند: «از فقها و علمای بیان استدعا می نمایم که چنین مشی نمایند... و به عقول و ادراک و علم متمسک نشوند.» [۲۵]. جای دیگر همین جناب «بینائی و روشندلی» را به گونه‌ای شگفت‌انگیز بیان می کند: «و این معلوم است نزد هر ذی بصری که اگر عباد در ظهور هر یک از مظاهر شمس حقیقت چشم و گوش و قلب را از آنچه دیده و شنیده و ادراک نموده پاک و مقدس می نمودند البته از جمال الهی محروم نمی مانند.» [۲۶]. و می بینیم که دستگاه برده پرور بهائیت انسانهایی را تحویل می دهد که هر چه چشم بسته تر باشند «جمال الهی» را بهتر نگریسته و از فیض وجود چنین خدائی؟؟ بیشتر بهره می برند. در این تابلو پرزرق و برق و رنگین، آن صاحب‌دلی خزینہ‌ی [ صفحه ۲۳ ] اسرار علوم ربانی می گردد که سینه را از جمع آنچه شنیده پاک نموده و قلب را از همه‌ی تعلقات، مقدس فرماید!! دقت کنید: «پس باید صدر را از جمیع آنچه شنیده و قلب را از همه‌ی تعلقات مقدس فرمود تا محل ادراک الهامات غیبی شود و خزینہ‌ی اسرار ربانی گردد.» [۲۷]. و روشن است آنجا که بهائیت از ذات هستی آفرین خدا، تصویری جز میرزای نوری (۱۲۳۳-۱۳۰۹) نداشته باشد باید شناخت مظاهر شمس حقیقت را چنین ترسیم کند و برای رسیدن به واقعیتها راهی اینسان تاریک و خردناپذیر را به خواستارانش بنمایاند. چه، یاری جستن از آنچه شنیده‌ایم و دیده‌ایم و ادراک کرده‌ایم، ما را که متحری حقیقتیم و دوستدار آزاداندیشی، از «پاکبازی» و «تقدس» دور می نماید. دیگر [ صفحه ۲۴ ] قلب روشنگر ایمان «محل ادراک الهامات غیبی» نمی شود و گامهایمان که به فرمان راستی و درستی رهبر و دیار روشنائی است مورد عنایت «جمال الهی» واقع نمی گردد!! محقق غیر بهائی «معاند» میشود و متحریان بهائی «مطرود» و این مفهوم تحری حقیقت، در قاموس کنونی بهائیت است که یک غیر بهائی باید بکند تا بهائی شود و بهائی نباید بکند تا بهائی بماند!! قبول چنین دستوراتی مشعشع، انسانهایی می سازد که مطلوب بهاء الله بوده و جنابشان آنها را این چنین توصیف می نمایند: «در دبستان علم الهی، نفوسی ظاهر شده‌اند که به استنشاق؟! حق را از باطل تمیز دهند.» [۲۸]. یافتیم!! یافتیم!! مثل اینکه کلید تحری حقیقت پیدا شد! راه دریافت واقعیتها روشن گردید! چقدر هم ساده و بی پیرایه: استنشاق!! استنشاق!! کافی است که حس شامه‌تان قوی باشد تا متحری خوب حقیقت گردید. علم و عقل و فهم به درد نمی خورد مواظب [ صفحه ۲۵ ] بینی مبارک باشید تا با کمک آن حقایق را استنشاق!! کنید و به سوی کمال رهنمون شوید. افسوس ای حقیقت، که چه ناراستیها و نیرنگها به هنام تو تحویل جامعه‌ی انسانها داده‌اند. مثل اینکه به مصداق «در خانه اگر کس است یک حرف بس است» همین اندازه برای درک مفهوم تحری حقیقت از نقطه نظر جامعه‌ی بهائی کافی است و توانسته‌ایم حقایقی را درباره‌ی «تحری حقیقت» تحری نمایم. و اکنون ای عزیز: تو که در جستجوی حق و حقیقت کوشا هستی و دوست داری از پذیرفتن کژبها و نادرستیها دست برداری، تو که با وجدانی آگاه و بیدار به دنبال دریافت واقعیتها می شتابی لحظه‌ای نسبت به معتقدات خود بیندیش و با برادران آزاداندیش خود به هم فکری پرداز. چرا باید بخاطر روبرو نشدن با واقعیتها در لاک اندیشه‌های خود فروروی و از آنها که مشتاقانه و منطقی آماده‌ی صحبت با تو هستند گریزان گردی و سخنشان را نشنیده و از اصیلترین تلاش زندگی - «تحری حقیقت» - [ صفحه ۲۶ ] بازمانی. افلاطون گوید: «هستند کسانی که از حقیقت می ترسند، اینان کسانی هستند که خود اسیر اوhamند و دیگران را چنین

می‌خواهند ایشان حقیقت را نمی‌خواهند زیرا می‌دانند که اگر آن را به دست آورند ناگزیر باید رفتار خود را دگرگون سازند.» [۲۹]. دگرگون کردن پندارهای نادرست یا گریز از حقیقت؟ کدام را انتخاب می‌کنی؟ نشانه‌ی ایمان این نیست که در راه روشن شدن حقایق به ستیزپردازی و نسبت به آنچه که به عنوان اعتقادات دینی مطلوب تو هستند تعصب ورزی. این سخن گرانمایه‌ی امام رضا علیه‌السلام است که می‌فرماید: «براستی پست‌ترین چیزی که آدمی را از دائره‌ی ایمان خارج می‌سازد این است که به (سنگ ریزه) بگوید این (هسته‌ی خرماست) سپس به این سخن معتقد شود و از هر کس که با او مخالفت نمود دوری [صفحه ۲۷] جوید» [۳۰]. لحظه‌ای بیندیش، حتی این گفتار را نیز که با تحقیق و دلسوزی گردآوری شده است بدون تأمل می‌پذیر. به گفته‌ی آن شاعر آمریکائی [۳۱]. «هنوز فرصت باقی است نیروهایت را فراهم آر و در راه پی‌جویی حقیقت به کوششی تازه برخیز.» [۳۲]. پاکبازانه با آغوش گرم اسلام روی آور و با تحقیق پیرامون تعالیم جان‌بخش و پیروی از دستورات هدف ساز و زندگی آفرینش، آرامشی واقعی برای خود فراهم نما، آرامشی که تو را فارغ از نگرانیهای روانی و آشفتگیهای فکری به ادامه‌ی زندگی وادارد.

## پاورقی

- [۱] حسین پیرنیا. تفکر علمی و توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی، صفحه‌ی ۲۳.
- [۲] مرحوم کلینی. کافی. کتاب العقل و الجهل.
- [۳] گامیل فلاماریون. اسرار مرگ و زندگی. ترجمه‌ی پزشکیور. صفحه‌ی ۶۱.
- [۴] جان دیون پورت. عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن. ترجمه‌ی غلامرضا سعیدی. صفحه‌ی ۱۳۲.
- [۵] رنه دکارت. گفتار در روش راه بردن عقل. ترجمه‌ی محمدعلی فروغی. صفحه‌ی ۳۵.
- [۶] رنه دکارت. گفتار در روش راه بردن عقل. صفحه‌ی ۵۱.
- [۷] محمدتقی جعفری. تعاون الدین و العلم. صفحه‌ی ۱۶ «من قال او سمع بغير دليل فليخرج عن الربة الانسانية.».
- [۸] قرآن کریم. سوره‌ی مائده، آیه ۱۰۴: «و اذا قيل لهم تعالوا الى ما انزل الله و الى الرسول» قالوا حسبنا ما وجدنا عليه آباءنا او لو كان آباءهم «لا يعلمون شيئا و لا يهتدون.».
- [۹] قرآن کریم، سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۳۶.]
- [۱۰] ملا محمدرضا همدانی. الدر النظيم. صفحه‌ی ۶: «لا تعرف الحق بالرجال بل اعرف الحق تعرف منه اهله.».
- [۱۱] ویل دورانت. تاریخ فلسفه. انتشارات جیبی. ترجمه‌ی دکتر زریاب خوئی. جلد اول. صفحه‌ی ۸۸. Amicus plato sed magis amica veritas.
- [۱۲] شیخ حر عاملی. اثبات الهداء. جلد اول. فصل یکم باب پنجم. به نقل از کتاب المحاسن شیخ احمد بن محمد البرقی «خدوا الحق من اهل الباطل و لا تأخذ و الباطل من اهل الحق کونوا نقاد الکلام.».
- [۱۳] قرآن کریم. سوره‌ی بقره آیه‌ی ۲۵۶: «در انتخاب دین اکراه و اجباری نیست زیرا که، راه رستگاری و هدایت با روشنی تمام از طریق گمراهی و باطل شناخته می‌شود.».
- [۱۴] جرج جرداق. صدای عدالت انسانی. ترجمه‌ی سید هادی خسروشاهی. جلد اول. صفحه‌ی ۲۳۶.
- [۱۵] عذر و تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن. صفحه‌ی ۱۱۲.
- [۱۶] قرآن کریم. سوره‌ی زمر. آیه‌ی ۱۹.
- [۱۷] افلا تتفكرون. افلا تعقلون. افلا يتدبرون.
- [۱۸] عبدالبهاء خطایات. جلد دوم. صفحه‌ی ۱۴۴.

[۱۹] عبدالبهاء. خطابات مبارکه. صفحه‌ی ۱۹۱ چاپ آزردهگان.

[۲۰] عبدالبهاء خطابات. جلد اول صفحه‌ی ۱۸ و ۱۹.

[۲۱] عبدالبهاء خطابات جلد دوم. صفحه‌ی ۵.

[۲۲] توجه کنید به ترکیب کلمه‌ی اعظم تر: اعظم تر: بزرگتر، اعظم تر: بزرگتر!!

[۲۳] بهاء الله. بدیع. صفحه‌ی ۱۴۵.

[۲۴] عبد الواحدین محمد تمیمی آمدی. غرر الحکم صفحه‌ی ۴۹۸.

[۲۵] بهاء الله. ایقان. صفحه‌ی ۱۹۲ (ایقان ۱۹۹ صفحه‌ای).

[۲۶] بهاء الله. ایقان. صفحه‌ی ۱۱ و ۱۲ (ایقان ۱۹۹ صفحه‌ای).

[۲۷] بهاء الله ایقان. صفحه‌ی ۵۴ (ایقان ۱۹۹ صفحه‌ای).

[۲۸] بهاء الله. اقتدارات. صفحه‌ی ۵۰.

[۲۹] مجله‌ی اخبار امری. شماره‌ی ۵. مراد ماه سال ۴۴. صفحه‌ی ۲۹۷.

[۳۰] شیخ صدوق. عیون اخبار الرضا. باب ۲۸ حدیث ۶۳. «ان ادنی ما یخرج به الرجل من الایمان ان یقول للحصاء هذه نواة ثم یدین

بذلک و بیرء ممن خالفه».

[۳۱] الیویه و ندل هولمز Ollivier Wendell Holmes

[۳۲] اوریزن - اسوت - ماردن. کتاب پیروزی فکر. ترجمه‌ی رضا سید حسینی. چاپ ششم. صفحه‌ی ۱۴۲.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به

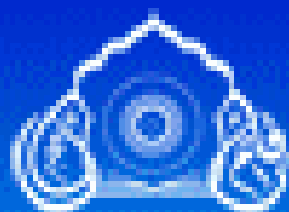


هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

